

واکاوی الگوهای ارتباطی ذینفعان در تعارضات کاربری اراضی شهری با رویکرد تحلیل شبکه های

اجتماعی (مطالعه موردی: زمین های ده ونک)

برادران مطیع، ملیکا (گروه مدیریت شهری، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

واعظی، ملیکا (گروه مدیریت شهری، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

مرادی، مائده (گروه مدیریت شهری، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

مصلح، لیلا (گروه مدیریت شهری، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران)

چکیده:

تعارضات مرتبط با مالکیت اراضی در فضاهای شهری اغلب ریشه در نبود اسناد مالکیتی معتبر، تمرکز قدرت در دست تعداد معدودی از بازیگران، فقدان سازوکارهای مشارکتی و هماهنگ کننده میان ذینفعان دارد؛ عواملی که در نهایت می توانند به حل ناکارآمد یا ناعادلانه این تعارض ها منجر شوند. این پژوهش با هدف واکاوی ساختار ارتباطی میان بازیگران دخیل در تعارض مالکیت اراضی میان دانشگاه الزهرا و جامعه محلی ده ونک، در بازه زمانی ۱۴۰۴-۱۳۹۱ با بهره گیری از رویکرد تحلیل شبکه های اجتماعی (SNA) انجام شد. برای گردآوری داده ها، از ۳۰ مصاحبه نیمه ساختاریافته با ساکنان محلی، وکیل دانشگاه و تحلیل محتوای رسانه ای استفاده شد. بر اساس داده های کیفی و ترسیم گراف شبکه، ۲۱ نهاد شناسایی شدند و جایگاه آن ها در شبکه از منظر مرکزیت، تراکم، و نقش واسطه ای بررسی شد. نتایج تحلیل نشان می دهد که شبکه روابط دارای ساختاری به شدت متمرکز و با تراکم پایین است؛ به گونه ای که دانشگاه الزهرا، قوه قضائیه و ساکنان محلی در موقعیتی محوری قرار دارند و جریان اطلاعات و تصمیم گیری را هدایت می کنند. در مقابل، سازمان های واسطه ای مانند رسانه ها، کانون وکلا و تشکل های مردمی از جایگاه حاشیه ای و پیوندهای محدود برخوردارند. ضعف در ارتباطات افقی میان بازیگران مختلف، مانع شکل گیری گفت و گوی مؤثر و تعامل چندسطحی شده است. بر این اساس، پژوهش حاضر پیشنهاد می کند که با طراحی سازوکارهای هماهنگی بین بخشی، تقویت نقش نهادهای واسطه ای، و بهره گیری از ابزارهای تحلیل شبکه در حکمرانی شهری، زمینه ای برای سیاست گذاری مشارکتی و حل مسالمت آمیز تعارضات مالکیتی فراهم شود. علی رغم محدودیت هایی در دسترسی به داده های سازمانی، این پژوهش چارچوبی تحلیلی برای ارزیابی و بازآرایی شبکه های ذینفعان شهری ارائه می دهد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل شبکه‌های اجتماعی، مشارکت ذی‌نفعان، تعارضات کاربری اراضی شهری، دانشگاه الزهراء، ده ونک

An Investigation of Stakeholder Interaction Patterns in Urban Land Use Conflicts through Social Network Analysis: A Case Study of Deh Vanak Lands

This study examines the complex relationships and communication dynamics, particularly concerning ongoing land ownership disputes between Alzahra University and the local community of Deh Vank. The aim of the research is to identify influential institutions and stakeholders involved in these interactions and analyze the existing communication patterns between them. Using a descriptive-analytical method based on quantitative and qualitative research, the perspectives of various stakeholders, including governmental and non-governmental institutions, residents, and university officials, have been examined. The approach of this research is social network analysis to address the structure and dynamics of relationships among these stakeholders. By employing concepts from network theory, a better understanding of centrality, density, and connectivity of communication networks can be achieved. This analysis makes it possible to identify key actors in this dispute and evaluate the flow of information and resources among them, unveiling distinct interaction patterns that contribute to both collaboration and tension. The findings indicate significant opportunities to enhance stakeholder engagement through the improvement of communication strategies. The connectivity patterns highlight areas where distrust and misunderstandings may arise and propose strategies for conflict resolution. In this study, institutions are classified into related subgroups based on shared characteristics, illustrating the diversity of interests present in the academic and local communities. Ultimately, this research not only addresses the specific challenges faced by Alzahra University and the Deh Vank community but also provides practical recommendations to strengthen constructive dialogue and collaboration. By emphasizing the role of social networks in these interactions, this study contributes to a deeper understanding of community engagement and conflict management in academic environments, offering a framework for future investigations in similar fields.

Social Network Analysis , stakeholders' participation, Urban land use conflicts , Al-Zahra University, De Vanak

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، با گسترش شهرنشینی و افزایش ارزش زمین در کلان‌شهرها، تعارضات مربوط به تملک، بهره‌برداری و مدیریت اراضی شهری به یکی از چالش‌های بنیادین در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری تبدیل

شده‌اند(اصغری زمانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱). تعارضی که ابعاد حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن باعث شده تا فراتر از یک منازعه ساده محلی تلقی شود و به سطحی از توجه عمومی و سیاست‌گذاری ارتقا یابد.

این چالش در کلان‌شهرهایی چون تهران، که تحولات کالبدی و جمعیتی به سرعت در حال وقوع است، نمود بارزتری یافته و در مواردی به بحران‌های اجتماعی تبدیل شده‌است. نمونه شاخصی از این چالش‌ها، مناقشه میان دانشگاه الزهرا و ساکنان محله ده ونک تهران می‌باشد. مسئله‌ای که نمادی از چالش‌های مربوط به مالکیت زمین، حقوق مسکن و عدالت اجتماعی در ایران است و ابعاد مختلف حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و حتی آموزشی را دربر گرفته و به یکی از مسائل مهم شهری در سال‌های اخیر تبدیل شده‌است. جایی که سابقه‌ی تاریخی سکونت مردم محلی در اراضی دولتی واگذار شده، در تقابل با ادعاهای مالکیتی دانشگاه الزهرا و نهادهای رسمی، به منازعه‌ای فرسایشی و پیچیده تبدیل شده‌است (عباسی، ۱۳۹۸).

این مناقشه طی سال‌های اخیر ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده و حتی به صدور احکام قضایی برای تخلیه و تخریب تعدادی از واحدهای مسکونی انجامیده‌است. در این میان، مسئله حقوقی مالکیت، ضعف اسناد رسمی، شرایط اقتصادی ساکنان، عدم انسجام میان نهادهای مسئول، و همچنین فشار افکار عمومی، این مناقشه را به یکی از نمونه‌های برجسته تعارض میان توسعه رسمی و سکونت غیررسمی تبدیل کرده است (میر طیبی، ۱۳۹۷؛ گودرزی، ۱۳۹۸). درک چنین منازعه‌ای نیازمند نگاهی فراتر از تحلیل حقوقی یا سیاسی صرف است؛ بلکه بایستی با شناخت ساختار روابط میان نهادها، بازیگران رسمی و غیررسمی و تعاملات میان آن‌ها همراه باشد (همکاران، ۲۰۲۳). یکی از رویکردهای تحلیلی نوین در این زمینه، تحلیل شبکه‌های اجتماعی (SNA)^۱ می‌باشد که با ترسیم روابط بین بازیگران در قالب شبکه، به درک ساختارهای اجتماعی (رودرا و همکاران^۲، ۲۰۲۲)، شناسایی گره‌های قدرت، مسیرهای انتقال اطلاعات، و الگوهای تعامل میان نهادها می‌پردازد. تحلیل شبکه‌های اجتماعی امکان آن را فراهم می‌سازد تا با استفاده از شاخص‌هایی همچون مرکزیت، تراکم، چگالی و گسست شبکه، ساختارهای پنهان تعاملات

^۱ Bonnett, etc

^۲ Social Network Analysis

^۳ Rudra et al

اجتماعی و نهادی را شناسایی و تبیین کرد (بانگر و نورایی، ۲۰۲۰^۴؛ کیهان‌پور و خلیفه‌ای، ۱۴۰۲؛ محمدی کنگرانی و حسین‌زاده، ۱۳۹۶).

باتوجه به اینکه این پژوهش مبتنی بر نظریه تحلیل شبکه‌های اجتماعی می‌باشد، با استفاده از مفاهیمی چون مرکزیت، تراکم، گره، پیوند و همبستگی شبکه، به تحلیل روابط میان کنشگران در یک ساختار اجتماعی می‌پردازد (بودین و پرل، ۲۰۱۱^۵). مفهوم شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک مدل کلیدی برای تحلیل و درک برجستگی بازیگران شبکه، بر روابط میان افراد تأکید دارد و نه روابط سازمانی (اهانیان، ۲۰۱۲^۶). بر اساس تئوری شبکه‌های اجتماعی، معاملات غیررسمی زمین از طریق شبکه‌ای از روابط اجتماعی مستمر شکل می‌گیرند که این نظریه در درک مبادلات زمین بسیار کارآمد است (پاول و اسمیث، ۲۰۰۸^۷).

شبکه در این رویکرد، مجموعه‌ای از حداقل سه گره (نقاط) و تعدادی یال (پیوندها) که وجود یا عدم وجود ارتباط را بین نقاط نشان می‌دهد. این نقاط می‌توانند افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها باشند (کیهان‌پور و خلیفه‌ای، ۱۴۰۲). مرکزیت درجه، مرکزیت بینابینی و مرکزیت نزدیکی، از شاخص‌های کلیدی در این تحلیل‌ها به شمار می‌روند که در این تحقیق برای شناسایی جایگاه دانشگاه الزهراء ساکنین ده ونک، و سایر نهادهای ذی ربط مورد استفاده قرار گرفته‌اند (مصلح و همکاران، ۲۰۲۴^۸). تحلیل تراکم شبکه نیز، نشان می‌دهد که تا چه میزان میان نهادها و بازیگران، ارتباطات فعال و مؤثر وجود دارد که این شاخص نیز برای ارزیابی انسجام شبکه کنشگران این مسئله به کار گرفته شده است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۳).

در سال‌های اخیر، پژوهش‌هایی در زمینه کاربرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی در مسائل مرتبط با شهر و سکونتگاه‌های غیررسمی انجام شده است. برای نمونه، کیم، چونگ و لی (۲۰۱۹)^۹ در مطالعه‌ای در کره جنوبی به تحلیل شبکه اجتماعی جامعه بازآفرینی شهری جنگوی پرداختند و نشان دادند که افراد تأثیرگذار در شکل‌دهی به

^۴ Bunger & Nooraie

^۵ Bodin & Prell

^۶ Ohanyan

^۷ Powell & Owen-Smith

^۸ Mosleh et al.

^۹ Kim, Chung & Lee,

الگوهای ارتباطی و پویایی اجتماعی نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. در مطالعه‌ای مشابه در اتیوپی (بایوما و آبه، ۲۰۲۳^{۱۰})، با تمرکز بر معاملات زمین در سکونتگاه‌های غیررسمی، به بررسی تعاملات میان بازیگران درگیر با استفاده از SNA پرداختند و به‌خوبی نشان دادند که شناخت روابط قدرت و نقش کنشگران می‌تواند منجر به سیاست‌گذاری مؤثرتر در این حوزه شود. همچنین، پژوهش کوی و لی^{۱۱} (۲۰۲۰) در چین با هدف ارزیابی تاب‌آوری اجتماعی از منظر سرمایه‌های اجتماعی، از تحلیل شبکه‌های اجتماعی بهره گرفت و نشان داد که ساختار شبکه‌ای و میزان انسجام آن نقش مهمی در میزان آمادگی جامعه در برابر بحران‌ها دارد. در ایران نیز، شاهین و چادگانی (۱۴۰۱) در محله قائمیه اصفهان به بررسی روابط بین‌سازمانی در بهسازی بافت‌های فرسوده شهری پرداختند و بر نقش تعاملات شبکه‌ای در ارتقای کارآمدی مدیریت شهری تأکید کردند.

این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تحلیل شبکه‌های اجتماعی نه تنها برای تحلیل ساختارهای ارتباطی بلکه برای شناسایی شکاف‌ها، خوشه‌ها، و بازیگران کلیدی در حل مسائل شهری، رویکردی مؤثر و کارآمد است. پژوهش حاضر نیز با الهام از این رویکرد و بر پایه تجریبات مطالعات پیشین، درصدد است تا با شناسایی نهادها و سازمان‌های مؤثر در مسئله دانشگاه الزهرا و ده ونک با تحلیل الگوهای ارتباطی میان این نهادها، از طریق تحلیل شبکه و شناسایی نهادهای با نفوذ و مرکزی، بازیگران حاشیه‌ای و نهادهایی که می‌توانند نقش پل ارتباطی را ایفا کنند، مرکزیت آن‌ها را بر مبنای شاخص‌های متنوع SNA تعیین کند و از این طریق پتانسیل مداخله، تعامل و مشارکت آنان را در حل مسئله ارزیابی نماید (مصلح و همکاران، ۱۴۰۲^{۱۲}) تا در نهایت بتواند امکان مداخله مؤثرتر را فراهم کند و با ارائه راهکارهایی به کاهش تنش‌ها و مناقشات کمک کند.

ضرورت انجام این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که موضوعات مربوط به حقوق زمین، مالکیت و عدالت اجتماعی در ایران، عمدتاً در بسترهای حقوقی یا سیاسی بررسی شده و کمتر به روابط ساختاری میان نهادهای درگیر پرداخته شده است. در شرایطی که توسعه شهری با مقاومت‌های اجتماعی روبرو می‌شود، شناخت علمی از پویایی‌های قدرت، تعاملات نهادی و شکاف‌های ارتباطی میان کنشگران، می‌تواند زمینه‌ساز سیاست‌گذاری منسجم‌تر و

^{۱۰} Bayuma & Abebe

^{۱۱} Cui & Li

^{۱۲} Mosleh et al

عادلانه‌تری شود. افزون بر این، یافته‌های این تحقیق می‌تواند به عنوان الگویی برای مواجهه با مسائل مشابه در سایر مناطق شهری ایران مورد استفاده قرار گیرد.

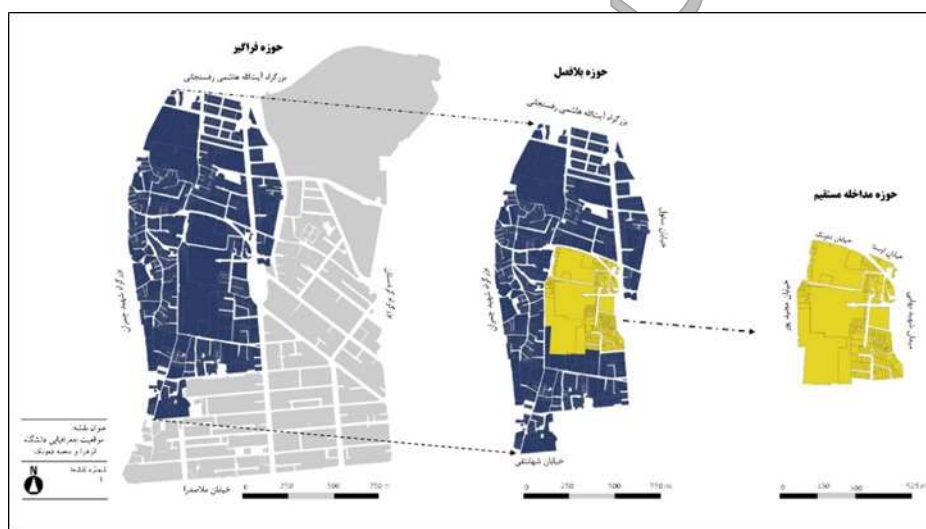
نهایتاً باید اشاره کرد که رویکرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی نه تنها به درک بهتر مسئله، بلکه به طراحی سیاست‌ها و اقدامات عملی نیز کمک می‌کند (شهابی و همکاران، ۲۰۲۰^{۱۳}). شناسایی نهادهایی که با وجود نقش بالقوه، مرکزیت اندکی دارند (همچون کانون وکلا، نهادهای دانشجویی یا رسانه‌ها) می‌تواند راهبردهایی برای افزایش مشارکت و نفوذ آن‌ها در حل مسئله ارائه دهد. چنین راهبردهایی ممکن است در آینده منجر به تقویت انسجام اجتماعی، ارتقای مشارکت جمعی، و حل منصفانه‌تر منازعات شهری شوند.

پژوهش حاضر با هدف واکاوی ساختار تعارض زمین در محله‌ی ده ونک با تمرکز بر الگوهای ارتباطی میان ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان، و با بهره‌گیری از روش ترکیبی و تحلیل شبکه‌ای انجام شده است. در این راستا، ضمن گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه، اسناد و داده‌های وب‌کاوی، تلاش شده تا با تحلیل شاخص‌هایی نظیر مرکزیت، تراکم و میان‌واسطگی، درکی جامع از روابط میان نهادهای رسمی، ساکنین، گروه‌های اجتماعی و دانشگاه الزهرا ارائه شود. دستاوردهای این مطالعه می‌تواند به بهبود سیاست‌گذاری و مدیریت تعارضات شهری کمک کرده و الگوی تحلیلی مناسبی برای موارد مشابه در سایر بافت‌های شهری فراهم سازد.

۲. معرفی محدوده مورد مطالعه

محدوده مطالعه، اراضی واقع در محله دهونک (در منطقه ۳ شهر تهران) و بخش‌هایی از املاک تحت مالکیت یا بهره‌برداری دانشگاه الزهرا را دربر می‌گیرد. این محدوده، نه تنها از نظر موقعیت جغرافیایی در بافتی میان‌نسلی و برخوردار از ساختار کالبدی قدیمی واقع شده است، بلکه از منظر تاریخی، اجتماعی و حقوقی نیز نمونه‌ای شاخص از سکونت غیررسمی مشروعیت یافته در طول زمان محسوب می‌شود (شکل ۱).

ریشه‌های تاریخی این مناقشه به دهه ۱۳۱۰ بازمی‌گردد، زمانی که کارخانه شماره ۵ تولید تجهیزات آموزشی در منطقه دهونک احداث شد و به کارگران اجازه داده شد در اطراف آن سکونت کنند. با انتقال کارخانه در سال‌های بعد، منازل باقی ماند اما سند رسمی برای این واحدها صادر نشد. در سال ۱۳۸۰ دانشگاه الزهرا به عنوان بهره‌بردار زمین‌های این منطقه معرفی شد و همین امر مناقشه‌ای پیچیده میان ساکنان و این نهاد آموزشی ایجاد کرد (فاطمی و میرعالی، ۱۴۰۲؛ جامعه خبری الف، ۱۴۰۳-شکل ۲).



شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی دانشگاه الزهرا و محله دهونک

ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۴

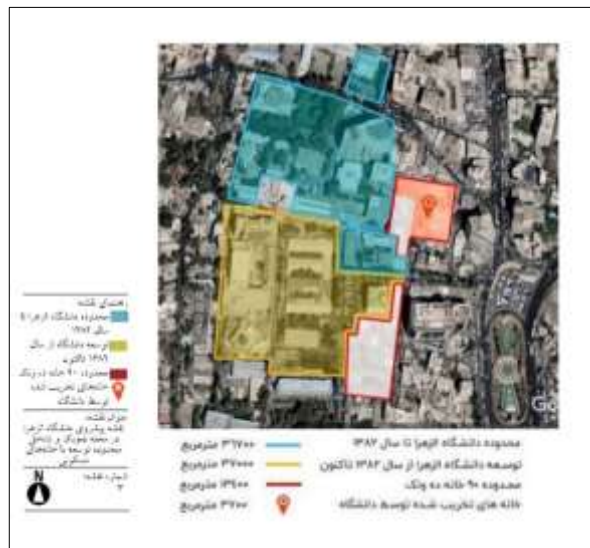


شکل ۲. نقشه موقعیت پلاک ثبتی دانشگاه الزهرا و اراضی مورد اختلاف دانشگاه و ساکنین محله ده نوک

ماخذ: مهندسین مشاور شاران، ۱۴۰۴

این مسئله به تدریج ابعاد گسترده‌ای پیدا کرد؛ از سویی دانشگاه الزهرا برای توسعه فیزیکی و آموزشی خود نیازمند بهره‌برداری از این زمین‌ها است و از سوی دیگر، ساکنان محله که بعضاً چند دهه در این خانه‌ها زندگی کرده‌اند با استناد به سابقه حضور و پرداخت قبوض خدماتی، خود را دارای حق سکونت می‌دانند. این کشمکش در سال ۱۳۹۷ به صدور حکم قلع و قمع برای ۹۰ خانوار و تخریب منازل ۲۸ خانوار انجامید (میر طیبی، ۱۳۹۷؛ گودرزی، ۱۳۹۸).

ارتباط حقوقی و تاریخی میان کارخانه شماره ۵ سابق، شرکت‌های ایمن‌سازان، و نهایتاً دانشگاه الزهرا به عنوان بهره‌بردار رسمی زمین‌ها، بستری برای شکل‌گیری تعارضات پایداری میان بازیگران کلیدی فراهم آورده است که همین امر ضرورت انتخاب این محدوده را برای پژوهش توجیه می‌سازد. نقشه گسترش فضایی دانشگاه الزهرا در ده نوک و تداخل آن با محدوده سکونتی ساکنان در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳- نقشه پیشروی دانشگاه الزهرا در محله ده ونک و تداخل محدوده توسعه با خانه‌های مسکونی

ماخذ: (<https://images.app.goo.gl/sNYmeappxfvK9pjh9>)

۳. روش شناسی

پژوهش حاضر در بستری از روابط پیچیده میان نهادهای دولتی، دانشگاهی و ساکنان محله‌ای قدیمی در تهران انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه نهادهای سازمان‌ها و افراد ذی‌نفع یا ذی‌نفوذ در مسئله مالکیت زمین‌های ده‌ونک تشکیل می‌دهند. در این راستا، ذی‌نفعان دولتی نظیر وزارت راه و شهرسازی، شهرداری تهران، سازمان ثبت اسناد و املاک، قوه قضائیه، شورای شهر، شورای تأمین، وزارت علوم، وزارت آموزش و پرورش و سازمان برنامه و بودجه به‌عنوان بخش حاکمیتی در نظر گرفته شدند. در کنار آن‌ها، نهادهای غیررسمی و عمومی نظیر دانشگاه الزهرا، ساکنان محلی، کانون وکلا، رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها، نهادهای مردمی (NGOها) و تشکلهای دانشجویی نیز جزئی از جامعه آماری به‌شمار آمده‌اند. به علت خاص بودن موضوع و ماهیت غیرقابل شمارش جمعیت هدف، از روش قضاوتی و هدفمند برای شناسایی و انتخاب پاسخ‌دهندگان استفاده شده است؛ به‌گونه‌ای که کنشگران کلیدی و دارای بیشترین میزان تعامل یا تأثیرگذاری در فرایند شکل‌گیری، تداوم و احتمالاً حل‌منازعه شناسایی شده و داده‌های پژوهش از آن‌ها گردآوری شده است. معمولاً در این روش، انتخاب صحیح افراد به صورتی انجام می‌شود که هریک از افراد منتخب، قسمتی از جامعه مورد نظر را معرفی نمایند. این روش با توجه به موضوع

مورد بررسی پژوهش، بر فهم نظری محققین درباره جمعیت مورد مطالعه استوار می‌باشد (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲).

برای گردآوری داده‌ها از ترکیبی از منابع اولیه و ثانویه استفاده شده است. داده‌های اولیه از طریق انجام ۳۰ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با کنشگران مختلف جمع‌آوری شده است. این مصاحبه‌ها شامل ۱۰ مورد با ساکنان محله، ۱۲ مورد با اعضای دانشگاه الزهرا (شامل ریاست، وکیل رسمی و کارکنان)، ۲ مورد در قالب تحقیقات میدانی با نهادهای محلی و ۶ مورد با نمایندگان رسانه‌ها و مستندسازان حوزه مسکن بوده است. علاوه بر این، تحلیل محتوای رسانه‌های رسمی و دانشجویی، آرشیو اخبار منتشر شده در سایت‌های معتبر نظیر «الف» و «رسانپوز»، و داده‌کاوی در موتورهای جست‌وجو با کلمات کلیدی «ده‌ونک»، «دانشگاه الزهرا» و «مالکیت زمین» به عنوان منبع تکمیلی گردآوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. ساختار مصاحبه‌ها حول محورهایی چون نوع تعامل با سایر نهادها، نوع همکاری یا تعارض با دانشگاه، منابع رسمی مالکیت، نحوه مواجهه با تصمیمات اجرایی، و میزان مشارکت در فرآیندهای رسمی یا غیررسمی پیگیری شد.

روش تحقیق پژوهش، توصیفی-تحلیلی از نوع آمیخته (کمی-کیفی) بوده و چارچوب تحلیلی آن مبتنی بر رویکرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی (SNA^{۱۴}) است. تحلیل SNA با هدف شناسایی الگوهای روابط اجتماعی میان بازیگران و ارزیابی موقعیت نسبی آن‌ها در ساختار شبکه انجام شده است. به این منظور، پس از شناسایی کنشگران، ساختار روابط میان آن‌ها استخراج گردید و معیارهای مهم در تحلیل شبکه از جمله مرکزیت درجه^{۱۵}، مرکزیت بینایی^{۱۶} و تراکم شبکه^{۱۷} محاسبه شدند. تحلیل شبکه‌ها بر اساس داده‌های حاصل از فرم‌های روابط متقابل (Matrix) میان نهادها انجام شد و از نرم‌افزار Gephi^{۱،۱۰،۰} برای تجسم و تحلیل گراف شبکه بهره‌گیری گردید. روند اجرای پژوهش در پنج گام اصلی سازمان‌دهی شده است. در گام اول، تمامی بازیگران مؤثر شامل ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان به صورت نظام‌مند از منابع اولیه و ثانویه شناسایی شدند. در گام دوم، ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم

^{۱۴} Social Network Analysis

^{۱۵} Degree Centrality

^{۱۶} Betweenness Centrality

^{۱۷} Network Density

میان این بازیگران استخراج و در قالب ماتریس رابطه ترسیم گردید. در گام سوم، با استفاده از منطق چهاردرجه‌ای، به هر پیوند شبکه‌ای میان دو بازیگر امتیازی از امتیاز ۱: شبکه سازی (میزان توانایی بازیگر در سازماندهی و مدیریت روابط و شبکه‌سازی)، امتیاز ۲: مشارکت (میزان مشارکت و فعالیت بازیگر در شبکه)، امتیاز ۳: همکاری (تاثیر گذاری نیمه قوی) تا امتیاز ۴: همکاری کامل (تاثیر گذاری و ارتباط قوی) تعلق گرفت. در گام چهارم، به ساختار شبکه‌های میان سازمانی و تعامل میان آن‌ها پرداخته شده و شبکه روابط بین بازیگران با استفاده از نرم‌افزار Gephi تحلیل و بصری‌سازی شده است. در این گام، شاخص‌های ساختاری شبکه، از جمله مرکزیت درجه ورودی و خروجی، مرکزیت میانی، و تراکم کلی محاسبه شد. نهایتاً در گام پنجم، تحلیل تفسیری نتایج عددی و گرافیکی به عمل آمد و نقش و جایگاه نهادها در شبکه مشخص شد.

شاخص‌های تحلیل شده در این مطالعه از ادبیات معتبر تحلیل شبکه استخراج شده‌اند. مرکزیت درجه که به تعداد اتصالات مستقیم هر گره در شبکه اشاره دارد، برای سنجش میزان ارتباط نهادی به کار رفته است. مرکزیت ورودی نشان‌دهنده میزان مراجعه دیگر نهادها به یک بازیگر بوده و مرکزیت خروجی، میزان برقراری ارتباط و نفوذ آن بازیگر بر دیگر نهادها را نمایش می‌دهد (مصلح و همکاران، ۲۰۲۴^{۱۸}). مرکزیت میانی نیز تعداد دفعاتی را محاسبه می‌کند که یک بازیگر به عنوان واسطه ارتباطی بین دو گره دیگر در شبکه عمل می‌کند، و بیانگر قدرت کنترلی یا تسهیل‌گری آن بازیگر در جریان اطلاعات است. همچنین، شاخص تراکم شبکه به منظور سنجش میزان انسجام در کل شبکه و قابلیت همکاری میان بازیگران محاسبه شد. تراکم بالا نشان‌دهنده پیوستگی اجتماعی و قابلیت اشتراک‌گذاری اطلاعات است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۳).

در مجموع، این روش‌شناسی ضمن اتکا بر داده‌های میدانی، اسنادی و دیجیتالی، و ترکیب رویکردهای کمی و کیفی، امکان ارائه تحلیلی چندوجهی از دینامیک قدرت و تعاملات میان کنشگران تعارضات شهری را فراهم آورده است. این چارچوب تحلیلی می‌تواند به عنوان مدلی قابل تعمیم برای مطالعه تعارضات مشابه در سایر شهرهای کشور و یا برای بررسی سیاست‌گذاری‌های چندبازیگری در حوزه مسکن، بازآفرینی شهری مورد استفاده قرار گیرد.

۴. یافته ها

یافته‌های این پژوهش با هدف شناسایی بازیگران کلیدی، الگوهای ارتباطی و تحلیل ساختاری شبکه‌ای در منازعات کاربری اراضی شهری به‌ویژه در مورد اختلاف مالکیتی میان دانشگاه الزهرا و جامعه محلی ده ونک، استخراج شده‌اند. برای این منظور، همانطور که در بخش روش تحقیق بیان شد، از روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی^{۱۹} بهره گرفته شده است تا چگونگی تعاملات، سلسله‌مراتب ارتباطی، و نقش‌آفرینی سازمان‌ها در شبکه ذی‌نفعان به‌صورت نظام‌مند آشکار شود.

جدول ۱- فهرست ذی‌نفعان منازعه ده ونک و دانشگاه الزهرا بر اساس نوع نهاد

خصوصی / مردمی	عمومی غیردولتی	دولتی
اهالی محله کانون وکلا نهادهای دانشجویی رسانه ها و خبرگزاری ها نهاد های مردمی (NGO)	دانشگاه الزهرا شهرداری شورای شهر	هیئت وزیران سازمان ثبت اسناد و املاک کارخانه(شرکت سهامی کارخانه جات ونک) شورای تامین شرکت تجهیزات ایمنی راه نیروی انتظامی آموزش و پرورش وزارت علوم سازمان برنامه و بودجه قوه قضاییه معاونت معماری و شهرسازی وزارت راه و ترابری(راه و شهرسازی) راه آهن

ماخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

^{۱۹} Social Network Analysis - SNA

در گام نخست این پژوهش، تمامی بازیگران مؤثر در منازعه مالکیت زمین میان دانشگاه الزهرا و ساکنین محله ده ونک، اعم از نهادهای رسمی، غیررسمی، دولتی، عمومی، محلی و مدنی شناسایی شدند. مجموعاً ۲۱ نهاد اصلی در این منازعه نقش آفرینی دارند (در جدول ۱، **Error! Reference source not found.** نام تمامی نهاد ها و نوع وابستگی نهادی آنها آورده شده است) که بر اساس میزان نفوذ، قدرت تصمیم‌گیری و نوع تعاملات‌شان به چهار دسته کلی طبقه‌بندی شده‌اند (شکل ۴). دسته نخست شامل ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان کلیدی است که دارای قدرت و نفوذ بالا در شبکه هستند و نهادهایی چون دانشگاه الزهرا، قوه قضائیه، وزارت علوم و ساکنان محله را در بر می‌گیرد. دسته دوم، ذی‌نفعان اصلی با نفوذ کمتر را شامل می‌شود که نهادهایی مانند شورای شهر و شهرداری در این گروه جای دارند. در دسته سوم، ذی‌نفعان ثانویه دارای قدرت کم اما نفوذ بالا قرار می‌گیرند که سازمان‌هایی نظیر رسانه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOها) و کانون وکلا را در بر می‌گیرد. نهایتاً، دسته چهارم شامل ذی‌نفعان جزئی با قدرت و نفوذ کم است که از جمله آن‌ها می‌توان به شرکت تجهیزات ایمنی راه، کارخانه ونک (شرکت سهامی عام ونک) و برخی نهادهای محلی اشاره کرد. تحلیل جایگاه و نفوذ این بازیگران در ساختار شبکه نشان می‌دهد که اگرچه نهادهایی همچون دانشگاه الزهرا و قوه قضائیه از قدرت بالایی در سطح کلان برخوردارند، اما نهادهای مردمی و میانجی، علیرغم پتانسیل قابل توجه، تاکنون نقش مؤثری در کاهش تنش‌ها و تسهیل فرآیندهای گفت‌وگو ایفا نکرده‌اند.



شکل ۴- نمودار دسته‌بندی بازیگران منازعه ده ونک بر اساس سطح نفوذ و قدرت در شبکه- ماخذ: (یافته‌های

پژوهش، ۱۴۰۳)

در گام دوم تحلیل ساختار شبکه ارتباطی میان بازیگران منازعه نشان می‌دهد که تمرکز اصلی روابط و تعاملات در پیرامون نهادهای دولتی و رسمی شکل گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که نهادهای دولتی با سهمی نزدیک به ۶۲ درصد، بیشترین میزان پیوندها را در این شبکه به خود اختصاص داده‌اند و در جایگاه محوری قرار دارند. پس از آن، نهادهای خصوصی و عمومی-دولتی با سهمی کمتر (به ترتیب: ۲۴٪ و ۱۴٪)، در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند و نقش کم‌رنگ‌تری در ساختار کلی ارتباطات ایفا می‌کنند. بررسی نقشه شبکه ارتباطی (مطابق با شکل ۵) نشان از تمرکز نسبی ارتباطات در اطراف چند نهاد محدود دارد. این وضعیت حاکی از آن است که شبکه، ساختاری متوازن و یکپارچه نداشته و میزان پیوندهای میان برخی از بازیگران نسبتاً پایین است، مسئله‌ای که بنا بر شواهد می‌تواند بر توانایی بازیگران برای ایفای نقش مؤثر در حل و فصل منازعه تأثیر منفی بگذارد. درواقع وابستگی ساختار شبکه به تعداد محدودی از کنشگران اصلی، ممکن است توازن قدرت را مختل کرده و به تنش‌های نهادی منجر شود (براهمند و همکاران، ۲۰۱۹).

دارای همکاری نیمه‌قوی، و نهایتاً امتیاز ۴ به پیوندهای دارای همکاری کامل و اثرگذاری متقابل تعلق گرفت. در ادامه و در مرحله چهارم، روابط شبکه‌ای میان سازمان‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار Gephi تحلیل و بصری‌سازی شد. هدف از این تحلیل، بررسی شکل‌گیری پیوندها، ساختار درونی شبکه، و نوع تعاملات میان نهادهای ذی‌نفع در قالب یک نظام ارتباطی غیررسمی بود. تجزیه و تحلیل ساختار شبکه، به‌ویژه از منظر سنجش همبستگی، مرکزیت و الگوی ارتباطات، نشان داد که شبکه مورد بررسی دارای ۲۱ گره و ۹۸ لبه (ارتباطات) است.

تراکم شبکه، که به‌عنوان شاخصی از انسجام کلی آن در نظر گرفته می‌شود، برابر با ۰۰,۲۳۳ درصد محاسبه شد که در مقایسه با استاندارد شبکه‌های اجتماعی مؤثر، عددی پایین به‌شمار می‌رود. همان‌گونه که قربانی و همکاران (۱۳۹۳) نیز اشاره کرده‌اند، تراکم پایین در چنین شبکه‌هایی نشانه‌ای از ضعف پیوندهای متقابل و عدم انسجام ساختاری است؛ عاملی که موجب می‌شود امکان تبادل مؤثر اطلاعات، هماهنگی در انجام وظایف و اشتراک منابع میان کنش‌گران کاهش یابد.

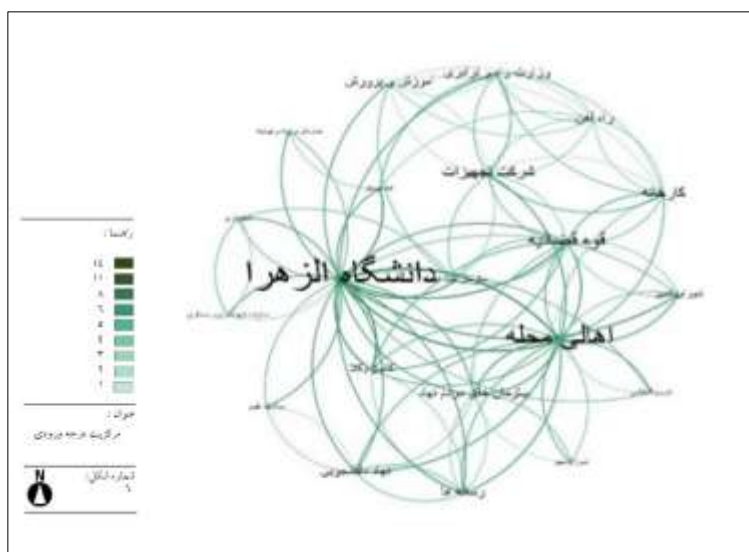
در این شبکه، مرکزیت درجه به‌عنوان شاخصی کلیدی برای سنجش موقعیت هر بازیگر در سطح فردی بررسی شد. این شاخص که تعداد پیوندهای یک نهاد را با سایر نهادها نشان می‌دهد، معیاری مهم برای ارزیابی دسترسی به اطلاعات و میزان نفوذ سازمانی در شبکه به‌شمار می‌آید (زدان و میلر^{۲۲}، ۲۰۱۷). در بازنمایی گرافیکی شبکه، اندازه گره‌ها بر اساس مقدار مرکزیت درجه تنظیم شده است؛ به‌طوری‌که سازمان‌هایی با پیوندهای بیشتر، در قالب گره‌هایی با ابعاد بزرگ‌تر نمایش داده شده‌اند (مصلح^{۲۳} و همکاران، ۲۰۲۴). یافته‌ها نشان می‌دهند که دانشگاه الزهراء، ساکنین محله ده ونک و قوه قضائیه دارای بالاترین میزان مرکزیت درجه هستند، که آن‌ها را در جایگاه بازیگران کلیدی شبکه قرار داده است. (شکل ۵)

همچنین، بررسی مرکزیت ورودی و خروجی (شکل ۷) نشان می‌دهد که دانشگاه الزهراء نه تنها بیشترین تعداد روابط دریافتی از سوی سایر نهادها را دارد، بلکه در ایفای نقش فعال در شکل‌دهی به تعاملات نیز پیش‌تاز است. این تمرکز روابط نشان‌دهنده تسلط ارتباطی این نهاد بر گفتمان تعارض و توان تأثیرگذاری بالا در میان کنش‌گران

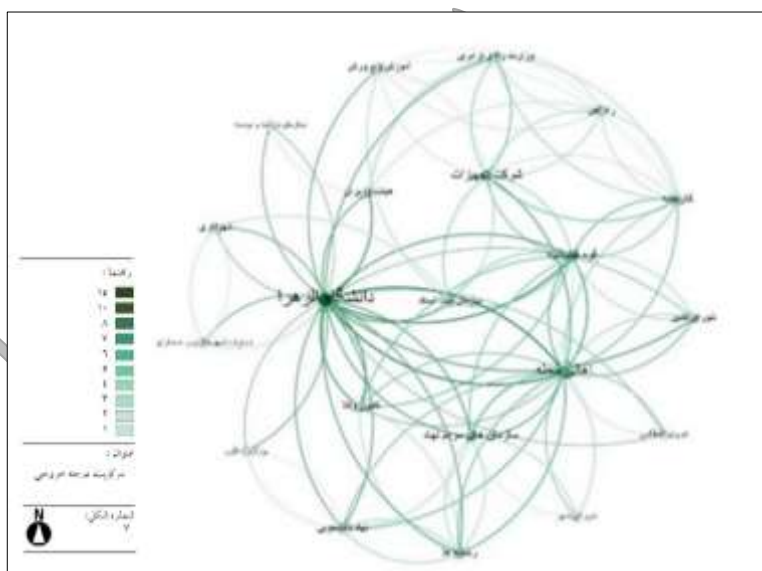
^{۲۲} Zedan & Miller

^{۲۳} Mosleh

شبکه است (عباسیانیا^{۲۴} و همکاران، ۲۰۲۱). در واقع مرکزیت ورودی بیشتر به محبوبیت بیشتر یا ارتباط بیشتر با سایر نهادها، اشاره دارد و وجود مرکزیت خروجی بالاتر نشان‌دهنده گسترش یا رسیدگی بیشتر به سایر عوامل در شبکه است.



شکل ۶-مرکزیت درجه ورودی - ماخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)



شکل ۷-مرکزیت درجه خروجی - ماخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

از سوی دیگر، شاخص مرکزیت میانی که به منزله توان واسطه‌گری و کنترل جریان اطلاعات در کوتاه‌ترین مسیر میان دو نهاد دیگر تعریف می‌شود، مجدداً دانشگاه الزهرا و ساکنین محلی را در موقعیتی ممتاز قرار می‌دهد. این شاخص بیانگر نقشی استراتژیک در ساختار شبکه است که به برخی نهادها امکان می‌دهد بر انتقال یا مسدودسازی اطلاعات میان سایر بازیگران تأثیرگذار باشند (کیم و هستک^{۲۵}، ۲۰۱۸). با این حال، نهادهایی مانند رسانه‌ها، کانون وکلا و سازمان‌های مردم‌نهاد که نقش کنشگران میانجی حضور داشته باشند، در ساختار شبکه این مطالعه از مرکزیت میانی پایینی برخوردار بوده و در حاشیه تعاملات باقی مانده‌اند. مرور داده‌های عددی مرتبط با شاخص‌های مرکزیت بازیگران (درجه، ورودی، خروجی و میانی) نیز به‌روشنی از این الگو پشتیبانی می‌کند؛ به‌طوری‌که جدول ۲ به تفصیل نشان می‌دهد که چگونه مرکزیت ارتباطی در شبکه به‌طور قابل توجهی بر تعداد محدودی از بازیگران اصلی متمرکز شده و سایر نهادها از نقش فعال در ساختار روابط محروم مانده‌اند.

جدول ۲- داده‌های بدست‌آمده از محیط نرم‌افزار Gephi

id	Label	In-Degree	Out-Deg.	Degree	Weighted In-D.	Weighted Out-D.	Weighted Degree	Eccentricity	Closeness Ce.	Harmonic	Between.	Authority	Hub	Page
11	دانشگاه الزهرا	14	15	29	45.0	42.0	87.0	2.0	0.875	190.62619	0.432053	0.465583	0.127	
14	انجمن صنفی	11	10	21	36.0	31.0	67.0	2.0	0.696667	82.309524	0.426856	0.383988	0.505	
4	فوق قضائیه	8	8	16	23.0	25.0	48.0	2.0	0.625	43.414280	0.354729	0.320163	0.074	
19	شرکت تجهیزات	6	7	13	17.0	15.0	32.0	3.0	0.526316	32.757143	0.16179	0.254947	0.070	
10	کاخ خانه	6	5	11	12.0	15.0	27.0	3.0	0.5	27.911905	0.202801	0.20185	0.099	
20	مآزمان هادر مردم نهاد	5	6	11	11.0	17.0	28.0	3.0	0.571429	0.641607	15.57619	0.245695	0.291512	0.049
9	سازمان ثبت اسناد	3	4	7	8.0	13.0	21.0	3.0	0.540541	0.501867	8.757143	0.108632	0.181379	0.032
6	وزارت راه و ترابری	5	4	9	15.0	9.0	24.0	4.0	0.37037	0.470833	7.565714	0.198754	0.107678	0.049
1	آموزش و پرورش	5	3	8	10.0	3.0	13.0	4.0	0.383636	0.448833	6.845238	0.181042	0.078008	0.051
16	نهاد دانشجوین	5	4	9	13.0	11.0	24.0	3.0	0.512821	0.575	4.97381	0.241109	0.195475	0.048
12	شهرداری	2	3	5	5.0	8.0	13.0	3.0	0.5	3.866667	0.098189	0.101435	0.023	
8	هیئت وزیران	1	4	5	3.0	12.0	15.0	3.0	0.526316	0.565333	2.783333	0.074757	0.135238	0.054
7	راه آهن	5	4	9	8.0	8.0	17.0	4.0	0.37037	0.470833	3.25	0.124876	0.117918	0.055
17	رسانه‌ها	5	5	10	14.0	13.0	27.0	3.0	0.528316	0.6	1.5	0.252155	0.252743	0.048
15	کانون وکلا	4	4	8	13.0	13.0	26.0	3.0	0.540541	0.591667	0.842867	0.229355	0.23539	0.039
13	شورای شهر	2	2	4	8.0	4.0	9.0	3.0	0.416667	0.466667	0.0	0.108416	0.107988	0.023
18	شورای ناامن	3	3	6	6.0	10.0	16.0	3.0	0.526316	0.566667	0.0	0.187774	0.19487	0.031
21	وزارت نظام	2	2	4	5.0	3.0	8.0	3.0	0.485116	0.508333	0.0	0.106143	0.108088	0.024
2	نیروی انتظامی	2	2	4	5.0	3.0	8.0	3.0	0.487805	0.525	0.0	0.138366	0.137912	0.023
3	مآزمان برنامه و بودجه	2	1	3	5.0	2.0	7.0	3.0	0.454545	0.483333	0.0	0.096472	0.069373	0.017
5	معاونت شهرداری و معماران	2	2	4	3.0	8.0	9.0	3.0	0.47619	0.516667	0.0	0.091044	0.08953	0.020

ماخذ: (یافته‌های پژوهش ۱۴۰۳)

در ادامه، به منظور مستندسازی ابعاد کالبدی منازعه و تغییرات شهری-اجتماعی، تصاویر جمع‌آوری شده از مطالعات میدانی و استخراج شده از منابع از وضعیت فیزیکی منطقه (خانه‌های تخریب شده، ساخت و ساز جدید و...) ارائه می‌شود (شکل ۸ الی ۱۳).



شکل ۱۰- بنر رسمی دانشگاه الزهرا با
مضمون الزام به تخلیه ساکنان و عدم
حق انتقال-نگارندگان، ۱۴۰۴



شکل ۹- نمایی از خانه‌های تخلیه شده در
محدوده پلاک ثبتی دانشگاه پس از
اجرای حکم قلع و قمع-نگارندگان، ۱۴۰۴



شکل ۸- نمایی از خانه‌های تخلیه شده در
محدوده پلاک ثبتی دانشگاه پس از
اجرای حکم قلع و قمع-نگارندگان، ۱۴۰۴



شکل ۱۳- ساخت و ساز در اراضی تخلیه
و تخریب شده -نگارندگان، ۱۴۰۴



شکل ۱۲- مصاحبه با اهالی و نمایی از
خانه‌های تخریب شده پس از اجرای
حکم قلع و قمع -[خبرگزاری مشرق](#)-
۱۳۹۹



شکل ۱۱- اعتراضات مردمی ساکنین
محل-[خبرگزاری انصاف](#)، ۱۳۹۷

انتشار

۵. بحث

تحلیل ساختار شبکه اجتماعی میان ذی‌نفعان منازعه اراضی ده ونک و دانشگاه الزهرا نشان داد که بخش عمده‌ای از تنش‌ها، ناشی از توزیع نامتوازن قدرت ارتباطی و ضعف انسجام افقی در ساختار شبکه است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ساختار شبکه، به شدت متمرکز و کم‌چگال است. دانشگاه الزهرا و ساکنان محلی با بیشترین مرکزیت‌های ارتباطی، نقش کانونی در تعاملات دارند؛ به گونه‌ای که بخش عمده‌ای از جریان اطلاعات از طریق آن‌ها مدیریت می‌شود. این تمرکز، اگرچه ممکن است انتشار سریع اطلاعات را تسهیل کند، اما موجب محدود شدن فضا برای مشارکت سایر بازیگران و کاهش کیفیت تعاملات افقی شده است.

چگالی کلی شبکه، مؤید سطح پایین همبستگی و انسجام میان بازیگران است. با توجه به تراکم پایین شبکه، نشانه واضحی از موانع ارتباطی و فقدان اعتماد متقابل است؛ به طوری که بسیاری از نهادهای حاشیه‌ای حتی با هم‌رده‌های خود پیوندهای موثر و پایداری برقرار نکرده‌اند. در نتیجه در این شبکه دستیابی به هماهنگی میان‌بخشی و تبادل کارآمد اطلاعات میان گروه‌های مختلف ذی‌نفع دشوار به نظر می‌رسد. در فضای منازعه ده ونک، چنین وضعیتی به افزایش بی‌اعتمادی و تعمیق اختلافات دامن زده و فرآیند اجرای تصمیمات قضائی و اجرایی را کند کرده و بر توان شبکه در حل مسالمت‌آمیز تعارض و پیشبرد برنامه‌های توسعه محلی تأثیر منفی بگذارد.

یافته‌های این پژوهش روشن می‌کند که تقویت جایگاه نهادهای مدنی، غیر رسمی و میانجی‌گران محلی از طریق افزایش مرکزیت میانی-نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در ارتقای انسجام شبکه و تسریع حل مناقشات دارد. این نهادها گرچه فاقد قدرت قانونی مستقیم در سیاست‌گذاری‌اند، اما با توجه به جایگاه اجتماعی‌شان می‌توانند بر هنجارها، برداشت‌های عرفی و فرایندهای مبادله زمین تأثیرگذار باشند. یافته‌ها نشان دادند که این نهادهای میانجی از نظر مرکزیت میانی در حاشیه شبکه قرار گرفته‌اند و نتوانسته‌اند کارکرد تسهیل‌گری و اعتمادسازی را به خوبی ایفا کنند.

در همین راستا، ارگان‌های بینابینی در نقش پل ارتباطی که وظیفه پیوند دو نهاد یا دو خوشه از بازیگران را بر عهده دارند، ظرفیت بالایی برای ارتقای عدالت ارتباطی و تسریع جریان اطلاعات دارند. با این حال، تحلیل نشان داد تنها چند بازیگر معدود-از جمله دانشگاه الزهرا، ساکنان محله و قوه قضائیه-در این نقش حاضرند و استفاده از رسانه‌های اجتماعی به عنوان ابزار رسمیت‌بخشی و توانمندسازی نهادهای پل، کمتر مورد توجه سیاست‌گذاران بوده

است. می‌توان با طراحی چارچوب‌های حمایتی و قانونی، مشارکت این میانجیان را در فرایند مذاکره و میانجی‌گری رسمی تقویت نمود.

مقایسه نتایج این پژوهش با مطالعات مشابه در حوزه تحلیل شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه آبه و بایوما^{۲۶} (۲۰۲۳) و مرشا^{۲۷} و همکاران (۲۰۲۱)، نشان می‌دهد که تأکید بر شاخص‌های مرکزیت، به‌ویژه مرکزیت درون‌درجه و برون‌درجه، ابزار مؤثری برای تبیین نحوه توزیع قدرت در میان بازیگران دولتی و غیردولتی در شبکه‌های تصمیم‌سازی است. یافته‌های این مطالعه نیز مؤید آن است که ساختار تمرکزگرا و نابرابر شبکه در منازعه ده ونک، فرصت‌های تعامل نهادهای مردمی را محدود ساخته است. در بستر ایران، همچنان ظرفیت‌های بالقوه نهادهای محلی و مدنی به‌طور کامل در فرایندهای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری فعال نشده‌اند. این نقیصه، مانعی جدی در مسیر تحقق عدالت توزیعی، افزایش شفافیت نهادی و به‌رسمیت‌شناسی حقوق عرفی جوامع محلی محسوب می‌شود.

با توجه به کمبود مطالعات جامع درباره تعارضات مالکیت زمین میان نهادهای دولتی و جوامع محلی در ایران، این پژوهش تلاشی نوین در جهت شناسایی ساختارهای ارتباطی و آسیب‌شناسی عملکرد شبکه‌های قدرت در منازعات شهری است. یافته‌های این مطالعه می‌تواند مبنایی ارزشمند برای توسعه چارچوب‌های سیاستی و طراحی مداخلات نهادی در مدیریت تعارضات زمین فراهم آورد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی بازیگران موثر در منازعه مالکیت اراضی میان دانشگاه الزهرا و جامعه محلی ده ونک و تحلیل ساختار ارتباطی آن‌ها از طریق روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی انجام شده است؛ تا جریان اطلاعات و منابع میان ذی‌نفعان روشن شود و ظرفیت حل تعارضات بهبود یابد. داده‌های تحقیق از طریق ۳۰ مصاحبه با ساکنان محله، گفت‌وگو با وکیل دانشگاه الزهرا و تحلیل محتوای رسانه‌های اجتماعی گردآوری گردید تا علاوه بر شناسایی ۲۱ نهاد درگیر، نقش و روابط متقابل آن‌ها نیز روشن شود.

^{۲۶} Bayuma & Abebe

^{۲۷} Mersha et al

نتایج تحلیل شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که روابط موجود دارای مرکزیت بالایی است؛ به‌طوری‌که دانشگاه الزهراء، قوه قضائیه و نمایندگان ساکنان محلی بیشترین میزان درجه و مرکزیت میانی را دارند و عملاً جریان اصلی اطلاعات و تصمیم‌سازی را کنترل می‌کنند. در مقابل، رسانه‌ها، کانون وکلا و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOها) با وجود قابلیت واسطه‌گری بالا، در حاشیه شبکه قرار دارند و از پیوندهای محدود برخوردارند. چنین وضعیتی، بیانگر ضعف در روابط افقی شبکه و کاهش قابلیت تعامل دوسویه میان ذی‌نفعان است. به‌منظور کاهش عملکرد جزیره‌ای نهادها و افزایش اثر بخشی روابط، لازم است ساختارهای هماهنگی میان‌بخشی در نهادهای دولتی بازطراحی شده و فرآیندهای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری با مشارکت نمایندگان همه گروه‌ها اجرا شود. بر اساس تحلیل ساختاری شبکه، راهکارهای زیر برای بهبود انسجام نهادی و تسهیل حل تعارضات پیشنهاد می‌شود:

- افزایش ارتباطات: افزایش گفتگوهای سازنده بین دانشگاه و ساکنین و حضور موثر سایر بازیگران به منظور کاهش مناقشات و دستیابی به راه‌حل‌های مشترک.
- برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مشترک: انجام برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها با حضور و مشارکت تمامی ذی‌نفعان برای اتخاذ تصمیمات عادلانه‌تر.
- استفاده از نتایج تحلیل شبکه: بهره‌گیری از تحلیل شبکه برای شناسایی نقاط ضعف و قوت روابط و بهبود تعاملات، به ویژه تقویت نفوذ سازمان‌های بینابینی مانند رسانه‌ها.

با وجود این توصیه‌ها، چالش‌های قانونی در دسترسی به اطلاعات و بی‌میلی برخی نهادها-به‌ویژه مراجع قضائی و اداری-برای مشارکت کامل در تحقیق، محدودیت‌های قابل توجهی ایجاد کرد که ممکن است به تحلیل ناقص برخی روابط منجر شود. با این حال، یافته‌های این مطالعه چارچوبی علمی برای رصد و اصلاح شبکه‌های ارتباطی در منازعات مالکیتی فراهم می‌آورد. تلاش‌های آینده می‌تواند با پایش دوره‌ای ساختار شبکه و مدل‌سازی سناریوهای مداخله، به ارزیابی اثربخشی این سازوکارها در مدیریت مسالمت‌آمیز تعارضات شهری کمک کند.

کتاب نامه

۱. ازکیا، م.، و دربان آستانه، ع. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات کیهان.
۲. اصغری‌زمانی، ا.، کریم‌زاده، ح.، و فضائلی‌کلاونق، ع. (۱۴۰۰). بررسی مغایرت کارکردی کاربری‌های شهری در ارتباط با ارزش زمین (مطالعه موردی: منطقه ۱ شهر تبریز). جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۵(۷۵)، ۱-۱۶.
<https://doi.org/10.22034/gp.2021.12781>
۳. عباسی، ح. (۱۳۹۸، ۲۰ شهریور). درس‌های تاریخی از واقعه ده ونک. خبرگزاری رسا. بازیابی شده از <https://rasanews.ir/002bIF>
۴. شاهین، س.، و چادگانی، م. (۲۰۲۲). شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و کارکرد ساختار شبکه روابط بین‌سازمانی در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری (مورد مطالعه: محله قائمیه شهر اصفهان). فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، ۱۰(۳۷)، ۸۵-۱۰۶.
۵. فاطمی، ع.، و میرعلی، ع. (۱۴۰۲). بررسی فرایند رسیدگی و صدور رأی در دعاوی مالکیت املاک با اسناد عادی در حقوق ایران. در نهمین کنفرانس بین‌المللی علوم اسلامی، مطالعات دینی و حقوق. تهران.
۶. قربانی، م.، و ده‌بزرگی، م. (۱۳۹۳). تحلیل ذی‌نفعان، قدرت اجتماعی و تحلیل شبکه در مدیریت مشارکتی منابع طبیعی. مجله مرتع و آبخیزداری ایران، ۶۷(۱)، ۱۴۱-۱۵۷.
۷. کیهان‌پور، م. ج.، و خلیفه‌ای، ک. (۱۴۰۲). تحلیل شبکه مسائل و مفروضات استراتژیک در برنامه‌ریزی و معماری شهری کلان‌شهرهای ایران: کاربرد تحلیل شبکه اجتماعی (SNA) و تکنیک سطح‌بندی و آزمون مفروضات استراتژیک (SAST). اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری، ۴(۱)، ۲۱۶-۲۳۰.
۸. محمدی‌کنگرانی، ح.، و حسین‌زاده، م. (۱۳۹۶). بررسی ساختار و توزیع قدرت میان نهادهای مسئول برنامه پنجم توسعه با رویکرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی. سیاست‌گذاری عمومی، ۲(۴)، ۸۹-۱۰۷.
۹. میرطیپی، مهدی. (۱۳۹۷، ۷ آذر). اهالی ده‌ونک به چه حقی سال‌ها رایگان سکونت داشتند؟ نسیم‌آنلاین. بازیابی شده در ۲۹ آذر ۱۴۰۳، از <https://www.nasim.news/fa/tiny/news-2288878>

۱۰. گودرزی، مهدی. (۱۳۹۸، ۶ آذر). اهالی ده‌ونک به چه حقی سال‌ها رایگان سکونت داشتند؟ انتشار اسناد.

بازیابی شده در ۲۹ آذر ۱۴۰۳ از <https://www.aparat.com/v/y833004>

۱۱. جامعه خبری تحلیلی الف. (۱۳۹۷، ۲۷ آبان). داستان زمین‌های ده ونک؛ از روایت تا واقعیت مالکیت.

جامعه خبری و تحلیلی الف. ب. بازیابی شده در ۲۹ آذر ۱۴۰۳، از

<https://www.alef.ir/news/3970827024.html?show=text>

12. Abbassinia, M., Kalatpour, O., Motamedzade, M., Soltanian, A., & Mohammadfam, I. (2021). Application of social network analysis to major petrochemical accident: Interorganizational collaboration perspective. *Disaster Medicine and Public Health Preparedness*, 15(5), 631–638. <https://doi.org/10.1017/dmp.2019.103>
13. Bayuma, T. B., & Abebe, B. G. (2023). Analyzing actors' interaction behavior in land transactions in informal settlement settings: A case study of Burayu city, Ethiopia. *Heliyon*, 9(9), e19836. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2023.e19836>
14. Berahmand, K., Bouyer, A., & Samadi, N. (2019). A new local and multidimensional ranking measure to detect spreaders in social networks. *Computing*, 101, 1711–1733. <https://doi.org/10.1007/s00607-018-0661-5>
15. Bodin, O., & Prell, C. (Eds.). (2011). *Social networks and natural resource management: Uncovering the social fabric of environmental governance*. Cambridge University Press.
16. Bonnett, M., Ezeigwe, C., Kennedy, M. A., & Garstka, T. A. (2023). Using social network analysis to link community health and network strength. *Journal Name*, Volume(Issue), pages. <https://doi.org/10.61152>
17. Bunker, A. C., & Nooraie, R. Y. (2020). Social network analysis. In N. J. Sobo (Ed.), *Handbook on implementation science* (pp. 487–496). Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/10.4337/9781788979591.00040>
18. Cui, P., & Li, D. (2020). A SNA-based methodology for measuring the community resilience from the perspective of social capitals: Take Nanjing, China as an example. *Sustainable Cities and Society*, 53, 101880. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2019.101880>

19. Frey, B. B., Lohmeier, J. H., Lee, S. W., & Tollefson, N. (2006). Measuring collaboration among grant partners. *American Journal of Evaluation*, 27(3), 383–392. <https://doi.org/10.1177/1098214006290356>
20. Kim, H., Chung, J.-K., & Lee, M.-H. (2019). Social network analysis of the Jangwi urban regeneration community. *Sustainability*, 11(15), 4185. <https://doi.org/10.3390/su11154185>
21. Kim, J., & Hastak, M. (2018). Social network analysis: Characteristics of online social networks after a disaster. *International Journal of Information Management*, 38(1), 86–96. <https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2017.08.003>
22. Mersha, S., Mulugeta, S. S., & Gebremariam, E. (2021). Process of informal land transaction: A case study in the peri-urban area of Addis Ababa. *GeoJournal*, 87, 2067–2080. <https://doi.org/10.1007/s10708-021-10474-8>
23. Mosleh, L., Yore, M., Wells, W., Eisenman, D. P., & Schwarz, K. (2024). A social network analysis of cross-organizational engagement for urban heat resilience in Los Angeles County, California. *Urban Climate*, 53, 101797. <https://doi.org/10.1016/j.uclim.2023.101797>
24. Ohanyan, A. (2012). Network institutionalism and NGO studies. *International Studies Perspectives*, 13, 366–389. <https://doi.org/10.1111/j.1528-3585.2012.00478.x>
25. Owen-Smith, J., & Powell, W. W. (2008). Networks and institutions. In R. Greenwood, C. Oliver, R. Suddaby, & K. Sahlin-Andersson (Eds.), *The SAGE handbook of organizational institutionalism* (pp. 596–623). SAGE.
26. Rudra, B., Satpathy, J., & Gavaskar, M. (2022). Utilization of social-graph analysis for investigating social structures through the use of networks and graph theory. *Technoarte Transactions on Advances in Data Science and Analytics*, Volume(Issue), pages. <https://doi.org/10.36647>
27. Sharifzadeh, M., Nabiafjadi, S., & Ahmadvand, M. (2021). Social network analysis for identifying actors engaged in water governance: An endorheic basin case in the Middle East. *Journal of Environmental Management*, 288, 112376. <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2021.112376>
28. Shahabi, S., Ahmadi Teymurlouy, A., Shabaninejad, H., Kamali, M., & Lankarani, K. B. (2020). Financing of physical rehabilitation services in Iran: A stakeholder

and social network analysis. *BMC Health Services Research*, 20, 1–11.
<https://doi.org/10.1186/s12913-020-05333-x>

29. Zedan, S., & Miller, W. (2017). Using social network analysis to identify stakeholders' influence on energy efficiency of housing. *International Journal of Engineering Business Management*, 9, 1847979017712629.
<https://doi.org/10.1177/1847979017712629>

نسخه
پیش
انتشار